

Cultural Functions of the Shrines of Herat with an Emphasis on the Timurid Era

MohammadReza Ziaee ¹, Abdulmajid Naseri ², Mohammad Dashti ³

1. International Research Institute of Al-Mustafa, Qom, Iran (Corresponding Author).

E-mail: rezaziaee19@yahoo.com

2. Ph.D. in Islamic History, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

E-mail: dawdi1353@gmail.com

3. Department of Islamic History, Complex of Islamic History, Sirah and Civilization, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

E-mail: mohamad_dashti@miu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2024-02-20

Revised: 2024-05-20

Accepted: 2024-06-02

Available online

14 April 2025

Keywords:

Herat Shrines; Herat
Imams' Tombs;
Timurids; Cultural
Function.

ABSTRACT

During the Timurid era, the city of Herat emerged as the cultural hub of the eastern Islamic world, particularly of Khorasan. Numerous libraries and scholarly-cultural centers were established, and sacred shrines and religious sites were likewise restored and developed. This study seeks to explain and analyze the status and cultural functions of Herat's shrines with an emphasis on the Timurid period. The present study was conducted using library data collection and a descriptive-analytical approach. The findings of the research is that, owing to their sanctity among the populace, the sacred shrines and religious places of Herat enjoyed significant cultural roles. In this period, in addition to serving as venues for worship, pilgrimage, and supplication, the shrines functioned as scholarly and cultural centers. Many religious scholars held classes in these sites, teaching subjects such as mysticism and Sufism, jurisprudence and legal theory, Qur'anic and Hadith sciences, theology, and rational sciences. Both Shi'i and Sunni scholars engaged in teaching and learning side by side, while renowned preachers and orators delivered admonitions, sermons, and speeches, from which the people benefited.

Cite this article: ziaee, MohammadReza; Naseri, Abdulmajid Dashti, Mohammad (2025). Cultural Functions of the Shrines of Herat with an Emphasis on the Timurid Era, *Discourse of History*. 49 (1), 124-149. <https://doi.org/10.22034/SKH.2024.17920.1500>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

DOI: 10.22034/SKH.2024.17920.1500

کارکردهای فرهنگی مزارات هرات با تأکید بر عصر تیموریان

محمد رضا ضیایی^۱ | عبدالمجید ناصری داوودی^۲ | محمد دشتی^۳

۱. نویسنده مسئول، پژوهشگاه بین المللی المصطفی، قم، ایران. رایانامه: rezaziae19@yahoo.com
۲. دکترای تاریخ اسلام، جامعه المصطفی العالمیه، قم ایران. رایانامه: dawdi1353@gmail.com
۳. گروه تاریخ اسلام، مجتمع تاریخ سیره و تمدن اسلامی، جامعه المصطفی(ص) العالمیه، قم، ایران. رایانامه: mohamad_dashti@miu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی - پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵ کلیدواژه‌ها: مزارات هرات، امامزادگان هرات، تیموریان، کارکرد فرهنگی،	شهر هرات در عصر تیموریان به عنوان مرکز فرهنگی شرق جهان اسلام به ویژه خراسان مطرح گردید، کتابخانه‌ها و مراکز علمی- فرهنگی فراوانی در این دوره تاریخی به وجود آمد، مزارات متبرکه و اماکن مذهبی نیز به تبع، تعمیر و آباد شد. این پژوهش درصدد است تا جایگاه و کارکردهای فرهنگی مزارات هرات با تأکید بر عصر تیموریان را تبیین و تحلیل کند. پژوهش حاضر با روش گردآوری داده های کتابخانه ای و به شیوه توصیفی _ تحلیلی انجام گرفته است. دستاورد این پژوهش این است که مزارات متبرکه و اماکن مذهبی در هرات، به خاطر قداستی که نزد همه مردم داشتند، از کارکردهای فرهنگی خوبی برخوردار بوده است. مزارات هرات در این دوره تاریخی افزون بر اینکه محل عبادت، زیارت و دعا و نیایش مردم بوده است؛ به عنوان مرکز علمی- فرهنگی نیز به حساب می آمده است. بسیاری از عالمان دینی در این اماکن مذهبی جلسه درسی داشته و مباحثی مانند عرفان و تصوف، فقه و اصول، علوم قرآن و حدیث، کلام و علوم عقلی را تدریس می کردند و عالمان شیعه و سنی در کنارهم به تعلیم و تعلم می پرداختند، چنانکه سخنرانان و خطیبان معروف در این مزارات متبرکه، به نصیحت، موعظه و سخنرانی پرداخته و نیز مردم از وعظ آنان بهره می بردند.

استناد: ضیایی، محمد رضا ؛ ناصری، عبدالمجید و دشتی، محمد (۱۴۰۴). کارکردهای فرهنگی مزارات هرات با تأکید بر عصر تیموریان. سخن تاریخ، ۴۹ (۱)، ۱۴۹-۱۲۴.

<https://doi.org/10.22034/skh.2024.17920.1500>



© نویسندگان.

ناشر: جامعه المصطفی(ص) العالمیه.

۱- مقدمه

مزارات بزرگان دینی و پیشوایان مذهبی همواره به عنوان مراکز علمی در جهان اسلام مطرح بوده است. شهر مقدس نجف اشرف، قم و مشهد مقدس به خاطر قبور مطهر امامان معصوم (ع) و حضرت معصومه (س) به عنوان کانون اصلی مراکز علمی شیعیان به حساب می آید. مزارات و مشاهد مشرفه ای که در افغانستان و شهر هرات وجود دارد نیز به خاطر جایگاه و موقعیت معنوی که میان مردم افغانستان داشتند، در گذشته ها به عنوان مراکز علمی مطرح بوده اند. بسیاری از عالمان و عارفان افغانستان این مزارات متبرکه را به عنوان مرکز علمی انتخاب نموده و در آنجا حلقه درس ایجاد می کردند. بدین جهت ضرورت دارد کارکردهای فرهنگی مزارات متبرکه هرات در عصر تیموریان که عصر رونق دوباره فرهنگ و تمدن اسلامی در شرق جهان اسلام به حساب می آید مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. از این رو، پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که مزارات متبرکه و اماکن مذهبی شهر هرات در عصر تیموریان چه کارکردهای فرهنگی داشته اند؟ دوره تیموریان هرات، یکی از با عظمت ترین و درخشان ترین دوره تاریخ کشور افغانستان به حساب می آید. در این دوره مزارات متبرکه و اماکن مذهبی هرات، به عنوان مراکز علمی- فرهنگی، مورد توجه حاکمان، عالمان دینی و مردم افغانستان قرار گرفت. آنان ضمن شتافتن به زیارت آن ها و برگرفتن حظّ و توشه ی معنوی، دعا و نیایش در مزار بزرگان دینی و مذهبی، در آنجا مجالس تعلیم و تعلّم، سخنرانی و موعظه برگزار می کردند. برخی نیز زیارت قبور را به خاطر تذکر و زیارت قبور صالحان را به خاطر تبرک مستحب دانسته است (غزالی، بیتا، ج ۱۵: ۱۷۴؛ بکری دمیاطی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۱۳۷). در سیره عملی پیامبر (ص) نیز گزارش های متعددی از زیارت قبور ثبت شده است. (خواستی العبسی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۲۹؛ بیهقی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۳۶؛ همو، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ۳۴۴؛ نسائی الخراسانی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۴۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۰: ۲۹۸). چنانکه در منابع روایی شیعه و اهل سنت، احادیثی از پیامبر (ص) نقل شده است که مسلمانان را به زیارت قبور تشویق نموده است (ر.ک: احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ ه.ق، ج ۵: ۳۶۱؛ ابن ابی شیبۀ الکوفی العبسی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۳۴۲؛ ترمذی، ۱۴۱۹ ه.ق، ج ۴: ۲۱۰).

در باره پیشینه تحقیق یادآور می شویم که مقاله حاضر مُتَّخَذ از رساله دکتری با عنوان «تاریخ زیارت در افغانستان است» و با توجه به جستجویی که در این باره صورت گرفت کتاب یا مقاله ی مستقل درباره این موضوع تدوین نشده است، هرچند پژوهش های پراکنده و به صورت کلی صورت گرفته است:

۱. **جغرافیه عمومی هرات؛** نگارش رسول پویان، نویسنده در فصل پنجم به بخشی از مزارات به عنوان آثار تاریخی و محل تفریحگاه‌ها اشاره کرده، ولی به کارکرد فرهنگی آن اشاره نشده است.

۲. **تشیع در خراسان، عهد تیموریان؛** نگارش عبدالمجید ناصری داوودی وی در فصل سوم به توجه داشتن تیموریان به بازسازی و اعمار آرامگاه‌ها و علاقه آنان به زیارت اشاره کرده و در فصل چهارم کثرت مزارات سادات را دلیل بر حضور چشم‌گیر آنان در هرات می‌داند، اما به کارکرد فرهنگی مزارت نپرداخته است.

۳. **هرات شهر آریا، نگارش** فاروق انصاری، وی در بخش سوم در ذیل عنوان «نظری به اوضاع اجتماعی هرات»، به بعضی ادبای هراتی و آثار آن اشاره دارد، اما کارکرد فرهنگی مزارات را بحث نکرده است.

۴. **هرات نگین خراسان؛ نگارش** «ولی شاه بهره» در این کتاب، به مکان‌های تاریخی هرات پرداخته و به مزارات بزرگان و شخصیت‌های دینی و فرهنگی که در هرات مدفون هستند و آثاری از قبور آنان باقی مانده‌اند، نیز اشاره نموده است، ولی کارکرد فرهنگی مزارات مورد بررسی قرار نداده است.

۵. **سیمای منور شاهزادگان هرات؛** نگارش عبدالسمیع فرید در ۳۰ صفحه، فقط به بررسی سلسله نسب امامزاده ابوالقاسم و شاهزاده عبدالله بن معاویه پرداخته و اشاره‌ای به نقش فرهنگی مزار آن دو بزرگوار نکرده است.

۶. **آرامگاه‌های خاندان پیامبر (ص) در افغانستان؛** نگارش سید حسن احمدی نژاد بلخی، این کتاب صرفاً به معرفی مزارات برخی امامزادگان اکتفا کرده و کارکرد فرهنگی مزارات تبیین نکرده است.

۷. **نقش سلطان حسین بایقرا در شکوفایی تمدن اسلامی در هرات و سمر قند (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)** نگارش علی جعفری در جامعه المصطفی در فصل پنجم به بررسی معماری و هنر پرداخته، ولی به معماری مزارات اشاره نشده است.

۸. **بررسی تعلیم و تربیت در دوره ایلخانان و تیموریان،** پایان‌نامه ارشد دانشگاه آزاد زیر نظر دکتر عزت اله نصیری، اصلاً به مزارات هرات اشاره نکرده است.

۹. **مقاله علمی بازشناخت جزیان‌های فرهنگی هرات در عصر شاهرخ؛** نگارش غلامرضا امیرخانی، هرچند جریان‌های فرهنگی عصر شاهرخ را بررسی کرده ولی به مزارات اشاره نکرده است.

بنابراین در باره کارکرد فرهنگی مزارات هرات در عصر تیموریان، پژوهش جامع صورت نگرفته است. پژوهش حاضر با ذکر نمونه‌های تاریخی کارکردهای فرهنگی مزارات متبرکه و اماکن مقدسه را در هرات عصر تیموریان مورد بررسی قرار داده است.

۲- مفاهیم

۱- (۲) فرهنگ

فرهنگ در لغت به معنای دانش، حرفه، علم، فنون، هنر، آموختن، به کار بستن ادب، بزرگی، سنجیدگی، کتاب لغت، آموزش و پرورش، تربیت، آئین و رسوم و عقل کاربرد یافته است (دهخدا، ۱۳۴۳، ج ۳۹: ۲۲۷؛ نفیسی، ۱۳۵۵، ج ۴: ۲۵۵۷؛ معین، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۵۳۸؛ پهلوان، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۲). واژه «فرهنگ» معادل (Culture) به زبان لاتینی، ابتدا به معنای کشت و زرع و در اصطلاح با تعاریف مختلفی کاربرد یافت (پورداوود، ۱۳۲۶: ۸۵-۸۶). بدین جهت گاهی به اختصار آن را تعلیم و تربیت و گاهی نیز به تفصیل آن را مجموعه پیچیده‌ای از دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد، معنا شده است (جان احمدی، ۱۳۹۲: ۳۶-۳۷؛ عیوضی، ۱۳۷۸: ۵). فرهنگ منسوب به فرهنگ، عبارت است از: اموری که به فرهنگ مربوط می‌شود و ویژگی آنچه موضوع یا محور فعالیت آن فرهنگ باشد. (انوری، ۱۳۸۱، ج ۶: ۵۳۴۸). بنابراین، کارکرد فرهنگی (در مقابل کارکرد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی)، عبارت است از کارکرد مزارات متبرکه، در عرصه دینی مانند: زیارت، دعا و نیایش، در عرصه فرهنگ و دانش مانند: معارف و علوم و در عرصه اعتقادات و اخلاق.

۲-۲) تیموریان هرات

تیمور (معروف به تیمورلنگ) بنیانگذار سلسله تیموریان هرات به حساب می‌آید. وی فردی با روحیه‌ی جنگجویی و خشونت‌طلبی بود و نام وی در زمره‌ی فاتحان بزرگ و جهانگشایان شگفت‌انگیز تاریخ آمده است که فتوحات بسیاری را انجام داده است (مبارک، ۱۳۸۵: ۶۰۲؛ راوندی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۵۵-۴۵۷). اما وی به فرهنگ و تمدن و علم و دانش اهمیت چندانی نمی‌داد و تمام تلاش و همتش کشورگشایی بود (همان: ۴۷۳). با ظهور شاهرخ میرزا (۸۵۰-۸۰۷ق) و انتقال پایتخت از سمرقند به هرات، رونق فرهنگی، دانش‌ورزی و تعلیم و تربیت اسلامی در

افغانستان شروع شد. او برای گسترش فرهنگ اسلامی، رونق علم و دانش و بنا و تعمیر مراکز فرهنگی-آموزشی نیز تلاش فراوان نمود. (ناصری داوودی، ۱۳۷۸: ۱۲۸؛ ضیایی، ۱۳۹۸: ۳۲۱). از حاکمان معروف تیموریان هرات: شاهرخ میرزا و سلطان حسین بایقرا دانسته شده است، گوهرشاد خانم نیز هرچند که حاکم و پادشاه نبود، ولی به عنوان یک شاهزاده کارهای فرهنگی فراوان و قابل توجهی انجام داده است.

۳-۲) مزارات متبرکه

مزار واژه عربی از ماده زور مصدر میمی و جمع آن مزارات است که به معنای زیارتگاه اماکن مقدسه، زیارت، حرم و جای زیارت به کار رفته است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۴۷۷؛ بستانی، ۱۳۷۵: ۸۱۲). زیارت در عرف قصد زائر مزور را همراه با اکرام و انس گرفتن گویند (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۴۸۳؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۲۶۰؛ مدنی، ۱۳۸۴، ج ۸: ۵۵). از این رو، مزار در زبان فارسی و عربی عبارت است از: مقبره و آرامگاهی که انبیای الهی، ائمه معصومین (ع)، شخصیت مذهبی یا یکی از عرفا و مفاخر و مقبره‌هایی که امامزادگان و بزرگان دینی در آنجا مدفون باشند. بنابراین، مراد از مزارت هرات آرامگاه امامزادگان مدفون در این شهر، عارفان بزرگ اسلامی و عالمان دینی است که در نزد مردم از احترام برخوردارند و مردم افغانستان به زیارت آنان مشرف می‌شوند.

۳-معرفی برخی مزارات هرات

هرات از جمله سرزمین‌های است که مزارات فراوان را به خود جای داده است. در یک تقسیم بندی کلی مزارات هرات به سه دسته؛ مزارات مربوط به شیعیان؛ مانند امامزاده‌ها، مزارات مربوط به اهل سنت؛ مانند بزرگان و عالمان اهل سنت و مزارات مشترک مانند عرفاء قابل تقسیم است. با توجه به حجم زیادی مزارات در هرات، همه آنها قابل بررسی نیست، در این تحقیق صرفاً برخی مزارات مهم که در این پژوهش نام برده شده به صورت مختصر معرفی می‌گردد:

۱. شاهزاده عبدالله (م ۱۳۰ هـ)

عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر طیار، از نوادگان جعفر طیار است که علیه حکومت بنی امیه قیام کرد و بعد از شکست، به هرات هجرت نمود و توسط حاکم هرات؛ مالک بن هیثم خزاعی به شهادت رسید (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ۵: ۳۷۳) مزار وی در کُهنْدژ (قُهنْدژ) هرات محل

زیارت مردم است (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ۵: ۳۷۳؛ واعظ هروی، ۱۳۱۰: ۱۲؛ انصاری، ۱۳۸۳، ج ۱: ۷۹)

۲. امامزاده سید ابوالقاسم احمد (۵۱۹۰هـ)

ایشان با پنج واسطه به امام زین العابدین (ع) می‌رسد: سید احمد ابوالقاسم، فرزند ابوعبدالله جعفر، فرزند قاسم، فرزند جعفر، فرزند محمد، فرزند زید شهید، فرزند امام زین العابدین (ع) وی نیز در قُهندژ (فخررازی، ۱۴۱۹ ق: ۱۵۵؛ انصاری، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۳۲) کنار سید عبدالله بن معاویه دفن است. (عبیدلی نسابه، ۱۴۱۳ ق: ۲۲۱)

۳. امام زاده سید ابوعبدالله مختار (۲۷۷م)

وی از جمله سادات حسینی، از سلسله امام سجاده (ع)، می‌باشد (واعظ هروی، ۱۳۱۰: ۱۷) : «ابوعبدالله حسین فرزند ابی‌محمد اسماعیل، فرزند ابوالقاسم احمد، فرزند سید قاسم الخطیب، فرزند ابوعبدالله جعفر الشاعر، فرزند سید محمد، فرزند زید الشهید، فرزند زین العابدین امام سجاده (ع)، بنا بر این سید ابوعبدالله مختار به شش واسطه به امام سجاده (ع) می‌رسد». (موسوی صفوی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲: ۱۷-۲۳؛ فخررازی، ۱۴۱۹ ق: ۱۵۳) وی نیز در منطقه قُهندژ مدفون است.

۴. زیارت بی‌بی ستی جلیله (۱۵۰ یا ۱۵۸هـ)

وی یکی از عارفان زمان خویش و از نوادگان امام حسن (ع) است که با سیزده (۱۳) واسطه به آن حضرت می‌رسد. (بیهقی، بی‌تا، ج ۲: ۶۶۶) مزار ایشان در بازار خوش، نزدیک چهار سوق هرات واقع است و اهالی هرات پیوسته به زیارت او می‌رفتند.

۵. خواجه ابوالولید (۲۳۲هـ)

احمد بن ابی‌رجا عبدالله بن ایوب بن حنیفة الهروی، محدث، عارف و از بزرگان علوم ظاهری و باطنی (بخاری، بی‌تا، ۲: ۵؛ المزی، بی‌تا، ج ۱: ۳۶۳). در قریه «ازاذان» هرات مدفون است (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۹۲)

۶. خواجه علی بن موفق (۲۶۵هـ)

خواجه علی بن موفق بغدادی، نیز یکی از عارفان و زاهدان عصر خویش بود و در علم حدیث تبحر داشت (ابن جوزی، بی‌تا، ج ۲: ۶۳۴). مزارش کنار باغ سفید هرات، نزدیک درب باغ گلشن، قرار دارد. (واعظ هروی، ۱۳۱۰: ۱۴-۱۵)

۷. خواجه ابوعبدالله محمد طاق (ت ۴۱۶ هـ)

وی یکی از عارفان بزرگ بوده است. (واعظ، ۱۳۱۰: ۲۶) وی به مرتبه‌ای رسیده بود که خواجه عبدالله انصاری در محضرش تلمذ کرده است. (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۰۹) مدفن او در مقبره «درخوش» هرات قرار دارد. (واعظ، ۱۳۱۰: ۲۶)

۸. خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶-۴۸۱ هـ)

وی یکی از عارفان قرن پنجم هجری در هرات، قبرش در گازرگاه هرات همواره محل توجه مردم بوده است.

۹. مزار فخررازی (۵۴۴ - ۵۶۰ هـ)

وی یکی از عالمان بزرگ اهل سنت است که در قرن ششم در هرات کرسی تدریس و سخنرانی داشته، مزارش در شمال هرات، واقع غرب خیابان (اسم محل در هرات) است (ولی شاه بهره، بی‌تا: ۲۱)

۱۰. امیر سید حسینی سادات (م ۷۱۸)

امیر فخر السادات سید رکن‌الدین حسین بن عالم بن ابوالحسن مشهور به «حسینی غوری» یا «حسینی سادات، از علویان و صوفیان قرن هفتم و هشتم هرات است. (امیرحسینی سادات، بی‌تا: ۱۱) مزار وی در قهندز (مصرخ) بیرون گنبد سید عبدالله بن معاویه قرار دارد و همواره محل زیارت است (خلیلی، ۱۳۸۳: ۱۴۳).

۱۱. شیخ زین الدین خوافی (م ۸۳۸)

وی یکی از عارفان در خراسان بوده که مقام ارشاد و شیخوخت داشت (هروی، ۱۴۲۱ق: ۳۸۶). او در ۸۳۸ از دنیا رفت. ابتدا در قریه «مالین» به خاک سپردند و از آنجا به «درویش‌آباد» و سپس به «عیدگاه» هرات انتقال دادند و بر مزار وی عمارت عالی‌بنیاد نهادند (تبادکانی، ۱۳۸۲: ۴۱).

۴- کارکردهای معنوی و عبادی

مزارات و بقاع متبرکه در میان مردم افغانستان همواره دارای نقش و جایگاه فرهنگی بوده است. این مکان‌های مقدس به خاطر پیشینه تاریخی و وجود روایات فراوان که بر فضیلت زیارت آن دلالت دارد، همواره مورد استقبال مردم افغانستان بوده و کارکردهای فراوانی داشته است.

۴) گسترش و ترویج پرستش و عبودیت خداوند متعال

یکی از کارکردهای عبادی و معنوی مزارات هرات، ترویج پرستش و عبودیت خداوند است که بر سر مزارات و کنار قبر آن بزرگواران انجام می‌شود. روایات، نمازخواندن در مشاهد مشرفه را دارای اهمیت و ثواب معرفی کرده است، در برخی منابع روایی بایی درباره نماز در حرم امام-حسین (ع) باز نموده و روایات متعددی درباره فضیلت و ثواب نماز در کنار مضجع مبارک آن حضرت ذکر کرده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۴۵؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۳۷؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۴۳۱). از این رو، یکی از کارکردهای عبادی و معنوی مزار بزرگان دینی و مذهبی هرات، اقامه نماز بر سر مزار آن بزرگواران است که در عصر تیموریان وجود داشته؛ زیرا افزون بر اینکه زائران این بقاع متبرکه پیش یا پس از یارت قبور به اقامه نماز می‌پرداختند، گاهی نمازجمعه و جماعت نیز برگزار می‌گردید. از باب نمونه، شیخ زین الدین ابوبکر الخوافی، از عالمان بزرگ عصر تیموریان است که در نزدیک عیدگاه هرات مدفون است. در دوران تیموریان بر سر مزار متبرک وی عمارت عالی ساخته‌اند و چنان معمور و مردم‌نشین شده که نمازجمعه در آن جا برگزار می‌شود (جامی، بی‌تا: ۵۷۲). چنانکه بر سر قبر خواجه ابوالولید و خواجه عبدالله انصاری نماز جمعه و جماعت برگزار می‌شد. (خواندمیر، ۱۳۹۹: ۱۰۳۵-۱۰۳۶) بنابراین، یکی از کارکردهای مهم دینی مزارات اقامه نماز در این بقاع متبرکه است. از باب نمونه، امروزه مردم هرات را عقیده بر این است که هرکس در سه عید قربان، نماز عید را در مزار خواجه علی بن موفق اقامه نماید، به مقصود و مراد خود می‌رسد، بر این اساس، گاهی برخی افراد حاجت مند در روز عید قربان، قبل از طلوع فجر به مزار خواجه حاضر می‌شوند تا نماز را در صفوف اول جماعت بخوانند. از این رو، روز عید قربان زیارتگاه خواجه مملو از جمعیت عاشقان، ارادت‌مندان و زائران می‌شود. این در حالی است که در ۱۳۲۲ش، مسجدی در کنار مزار خواجه ساخته شده که پنج وقت نماز در آن اقامه می‌شود و امام جماعت راتب دارد.

۴) ترویج قرائت و معارف قرآن کریم

یکی از کارکردهای عبادی و معنوی مزارات هرات در عصر تیموریان، ترویج قرائت و معارف قرآن کریم در آن مزارات متبرکه بوده است. در آیاتی قرآن (مزل: ۲۰). و روایات معصومین (ع) (ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۱۰۰). به تلاوت و تدبیر در آیات این کتاب شریف تأکید شده است. ابوبکر از پیامبر اعظم (ص) نقل نموده است: «هر کس قبر پدر و مادرش را یا یکی از آنان را در روز جمعه

زیارت کند و سوره یاسین را در کنار قبر آنها قرائت نماید، خداوند به عدد هر حروف این سوره گناهانش را می‌آمرزد» (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۶: ۴۷۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۲۵۷). از این رو، مزارات هرات که در عصر تیموریان از مراکز علمی و فرهنگی به حساب می‌آمد، مورد استقبال مردم مسلمان افغانستان از جمله طلاب علوم دینی بود. آنان بر سر برخی مزارات گرد هم آمده و به قرائت و ختم قرآن می‌پرداختند و حاکم هرات نیز آنان را اطعام می‌کرد. چنانکه در مورد ملک فخرالدین که یکی از پادشاهان لایق هرات بود گفته شده است که وی به کسانی که در مزارات هرات به طلب علم و ختم قرآن کریم مشغول بودند، نان و طعام می‌داد. (سیفی هروی، ۱۳۸۱: ۱۰۴؛ اسفزاری، ۱۳۳۸، ج ۱: ۴۳۸). چنانکه درباره مزار خواجه عبدالله انصاری آمده است: چندان حافظ خوش آواز پیوسته مشغول قرائت قرآن است: (خواندمیر، ۱۳۹۹: ۱۰۳۵) از این رو، در زمان حکومت تیموریان نیز مزارات هرات از رونق برخوردار بود و به طالبان علم و دانش و قاریان قرآن توجه می‌گردید. چنانکه واعظی کاشفی از خطیبان معروف هرات در زمان سلطان حسین میرزا بایقرا، در برخی مزارات هرات مانند مزار خواجه ابوالولید، مشغول وعظ و ارشاد مردم بود، او باصوتی خوش، معارف قرآن کریم و احادیث را بسیار زیبا بیان می‌کرد و در مجلس وعظ و نصیحت وی جمعیت فراوان گردهم می‌آمدند. وی قرآن را نیز بسیار زیبا قرائت می‌کرد چنانکه گفته شده است: «بسا (افراد) بودی که در تلاوت قرآن مجید از خود رفتی». (خواندمیر، ۱۳۸۴، ج ۴: ۳۴۵؛ شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۴۷؛ آفندی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۷۰) بنابراین ترویج قرئت قرآن کریم و تبیین معارف قرآنی از کارکردهای عبادی و معنوی مزارات هرات در عصر تیموریان بوده است.

۴) زمینه‌سازی برای تضرع به درگاه خداوند و توسل به اولیای الهی

توسل به صاحبان مزارات متبرکه، شفیع قراردادن آنان در پیشگاه خدای متعال و دعا و نیایش در کنار مزارات بزرگان دینی و مذهبی در دین مبین اسلام برای تقرب و رسیدن به خداوند متعال، افزون بر این که امری پسندیده و عقلایی به شمار می‌آید، در قرآن کریم. (مائده: ۳۵). و روایات اهل بیت (ع) نیز مورد تأکید قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۵۶۲؛ مسعودی، ۱۳۸۴: ۴۱؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۳۴۲؛ راوندی، ۱۴۰۷ق: ۵۱). از این رو، مردم مسلمان افغانستان به مزارات امام زادگان و قبور صالحان رفته در کنار قبر آن بزرگواران به دعا و نیایش به درگاه خداوند می‌پرداختند و به اولیای الهی متوسل می‌شدند. شیخ یحیی عماد استاد خواجه عبدالله همیشه خواجه را به توسل و استمداد از روح ابوالقاسم بن جعفر (رض) توصیه می‌کرد (واعظ هروی،

۱۳۵۱: ۱۳). از خواجه عبدالله نیز بارها نقل شده است که: «در شب جمعه در کهنه‌ژ مصرخ، هر دعایی که کنند امیدواری چنان است که به اجابت مقرون گردد» (واعظ هروی، ۱۳۵۱: ۱۳).

مردم افغانستان اعم از شیعه و سنی در عصر حکومت تیموریان، وقتی به زیارت مزارات متبرکه هرات مشرف می‌شدند، به صاحبان مزارات توسل نموده و آنان را در پیشگاه خداوند شفیع قرار می‌دادند و در آنجا به دعا و نیایش می‌پرداختند. مردم به زیارت امام فخر رازی و خواجه ابوالولید رفته و در آنجا به نماز و زیارت و دعا و نیایش می‌پرداختند (واصفی، ۱۳۴۹، ج ۲: ۲۵۵-۲۴۶). مسلمانان افغانستان اعتقاد و باور داشتند که برخی صاحبان مزارات متبرکه، اهل کرامت- اند و دعا سر مزار ایشان به اجابت می‌رسد. از این رو برای رفع گرفتاری و مشکلات شان در آنجا رفته به دعا و نیایش می‌پرداختند. (همان: ۱۴). بر این اساس، یکی از اعمالی که مردم در ضمن زیارت مزارات متبرکه و مراقد بزرگان دینی و مذهبی انجام می‌دادند، توسل به صاحبان این مزارات و شفیع قراردادن آنان در پیشگاه خداوند متعال و دعا و نیایش برای رفع مشکلات و گرفتاریهایشان بوده است. درباره شیخ ابوالعلاء هراتی یکی از عرفای بزرگ نیز آمده است که توسل به ایشان و دعا سر قبر وی مقبول و مجرب بوده است. مردم بعد از زیارت خاجه ابوالولید سر قبر ایشان رفته به زیارت، دعا و نیایش می‌پرداختند. (واعظ هروی، ۱۳۵۱: ۶۲). بنابراین، توسلی که مطلوب و منظور از آن حق و رفع حجاب‌های ظلمانی و نورانی باشد، نه تنها امری پسندیده است بلکه در دین اسلام مورد تأکید قرار رفته است. از این رو، عالمان و دانشمندان هرات در عصر تیموریان مانند سایر مردم این بلاد به زیارت مزارات این شهر، مشرف می‌شدند و در آنجا به دعا، نیایش و تضرع به درگاه خداوند پرداخته به اولیای الهی متوسل می‌شدند.

۴) پاسداشت یاد و نام اولیای الهی

زیارت و پاسداشت نام اولیای الهی است در منابع دینی مورد تأکید قرار گرفته و بسیاری از صاحب‌نظران شیعه و اهل سنت زیارت قبور صالحان و بزرگان دینی و مذهبی را امری پسندیده دانسته‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۷۲؛ سبکی شافعی، ۱۴۱۹ق: ۹۷ و ۱۹۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۶ق، ج ۸: ۲۸۹). مردم مسلمان افغانستان در عصر تیموریان هرات بدون درنظرداشت گرایش مذهبی صاحب مزار بلکه به عنوان یک شخص صالح به زیارت آن بزرگواران می‌شتافتند. یکی از مورخان، وقتی داستان غیاث‌الدین محمد خراسانی که یکی از دانشمندان آن زمان بوده است را بررسی نموده از توجه مردم به زیارت قبر امام فخر رازی و خواجه ابوالولید سخن گفته است (واصفی، ۱۳۴۹، ج ۲: ۲۵۵-۲۵۶).

طیب نیشابوری که برای مداوای سلطان حسین بایقرا احضار شده بود، می‌گوید: مدت چهل روزی که در هرات بودم، هرروز با جمعی از بزرگان و ملازمان به طواف مزارات هرات مثل خواجه عبدالله انصاری و خواجه محمد ابوالولید و امیرحسین سادات و امام فخر رازی و خواجه محمدطاق و خواجه مختار می‌رفتم (همان، ج ۲: ۳۹۴). همچنین شیخ الاسلام مولانا زین الدین تایبادی، از شخصیت‌های مهم علمی و عرفانی مسلمانان در هرات، به زیارت شاهزاده عبدالله مشرف می‌شده است (واعظ هروی، ۱۳۵۱: ۱۳؛ همو، ۱۳۱۰: ۱۳). براین اساس، علاوه بر توده مردم، عالمان دینی هرات نیز به زیارت مزارات متبرکه از جمله مزار امامزاده عبدالله مشرف می‌شدند که نشان از احترام و تکریم مزارات متبرکه است. در زیارت مزار امامزاده قاسم زائر به نیت شادی روح آن سید جلیل‌القدر، سورة فاتحه و سورة اخلاص را می‌خواند و به از خدای سبحان، حاجات خود را می‌طلبید (واعظ هروی، ۱۳۱۰: ۱۱). از دیگر مزارت موردتوجه مردم هرات قبر بی‌بی سیتی بوده است که مردم هرات همواره و به‌طور مرتب به زیارت این بانوی عابده می‌شتافتند (واعظ هروی، ۱۳۵۱: ۱۴).

خواجه ابوالولید از عالمان و عارفان برجسته عصر خویش به حساب می‌آمد که کرامات و خرق عاداتی از وی بیان شده است (همو، ۱۳۱۰: ۲۰؛ همو، ۱۳۵۱: ۱۶). از این رو، مردم مسلمان هرات به زیارت ایشان رفته و از روح بلند و ملکوتی ایشان جهت برآورده‌شدن حوائج‌شان کمک می‌گرفتند. چنانکه خاقان شاهرخ میرزا، برای زیارت خواجه ولید برنامه‌ای خاص داشته و در هر شریاطی سعی می‌کرده که هر چهارشنبه خود را بر مزار این عالم وارسته برساند (همان). وی در مسیر زیارت به فقرا و نیازمندان نیز توجه داشت و به آنان کمک می‌کرد (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۶۲۴؛ ناصری داوودی، ۱۳۷۸: ۱۲۹). گفته شده است: «خواص و عوام قبه الاسلام هرات، از زیارت آن مزار فایض‌الانوار، منافع کلیه یافته و می‌یابند» (واعظ هروی، ۱۳۱۰: ۲۰-۲۱). در منابع تاریخی از زیارت شیخ ابوالعلاء بعد از زیارت خاجه ابوالولید سخن رفته است (همو، ۱۳۱۵: ۶۴). بنابراین، مزارات متبرکه هرات در عصر تیموریان مورد توجه مردم افغانستان بوده و آنان از مکان‌های دور و نزدیک به زیارت این مزارات متبرکه مشرف می‌شدند و از روح بزرگ صاحبان بقعه بهره برده و روح و جان‌شان را صفا و صیقل می‌دادند.

۵- کارکردهای علمی و آموزشی

در قرن هفتم هجری با حمله مغول به افغانستان، وضعیت فرهنگی و تمدنی به طور عام و

زیارتگاه‌های افغانستان به طور خاص، به شدت آسیب دید. با استقرار حکومت تیموری در هرات، بار دیگر این شهر مرکز علمی و فرهنگی شرق جهان اسلام شد و مزارات امامزادگان و بزرگان دینی نیز مانند سایر مراکز علمی رونق دوباره یافت. یکی از کارکردهای مهم مزارات متبرکه هرات در عصر تیموریان، کارکرد آموزشی است. در این عصر که علم و دانش در هرات رونق داشت، مزارات متبرکه به عنوان مرکز آموزشی و محل تدریس عالمان و دانشمندان شیعه و سنی قرار داشت. از باب نمونه گنبد سر مزار چهل گزی: به یمن توجه خاطر امیر ستوده‌مآثر روی به رونق و رواج آورده و اکنون یکی از موالی در آنجا به منصب تدریس سرافراز است. (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۴؛ همو، ۱۳۹۹: ۱۰۲۹) یکی از شیوه‌هایی که عالمان هرات در راستای نشر و گسترش علوم مختلف در جامعه، از آن بهره برده است؛ تشکیل جلسات درس بوده است. عالمان و بزرگان دینی در مزارات بزرگان دینی و مذهبی به تعلیم و تربیت شاگرد می‌پرداختند. (فروزانفر، ۱۳۶۶: ۹۲؛ خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۴ و ۲۱۹؛ همو، ۱۳۸۰، ج ۴: ۳۲۳ و ۳۲۹). بنابراین از کارکردهای علمی و آموزشی مزارات هرات تشکیل کلاس درس بر سر مزارات بوده است. البته باید توجه داشت این نوع بیان اخلاق و معنویت مربوط به عالمان و دانشمندان بوده است و عامه مردم از آن بهره نداشتند.

۵) تعلیم عرفان و تصوف

یکی از شاخه‌های علوم که در هرات از گذشته‌های دور مورد توجه قرار داشت، عرفان و تصوف بود. از این رو، عارفان بزرگ اسلامی مانند خواجه عبدالله انصاری از این حوزه برخاسته‌اند. بعد از روی کار آمدن حکومت تیموریان و برقراری نظم و امنیت، زمینه‌سازی جذب عالمان و دانشمندان و ساخت مراکز علمی و فرهنگی و نیز به تبع توجه به عرفان و تصوف نیز از سر گرفته شد و عارفانی بزرگ از این خطه سر بلند نمودند. مولانا شمس‌الدین محمد روجی نقل می‌کند که بر سر مزار شیخ زین‌الدین خوافی رفتم و شیخ صدرالدین رواسی در حال تدریس و انجام ذکر با اصحاب و شاگردان خود بود (فخرالدین صفی، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۳۲۸). با توجه به جایگاه عرفانی خواجه رخ‌بند و همچنین خانقاه خواجه عبدالله انصاری در کنار این مزار، یکی از علومی که در این بقعه مبارکه تدریس می‌شد؛ عرفان اسلامی و تصوف بوده است. چنانکه، حاکمان تیموری به خاطر احترامی که به مزار خواجه رخ‌بند داشتند، هر صبح در آنجا به اطعام درویش و مساکین می‌پرداختند و چهار نفر از دانشمندان در آن مکان مشغول تدریس و افاده‌ی علمی به مردم بودند. مدرسه علمیه و خانقاهی که در کنار آن مزار ساخته شده، همچنان که پناهگاهی برای مساکین و مستمندان و درویش بوده است، محل تدریس و تعلیم و تربیت مردم آن مرز و بوم نیز بوده است و

علماء و دانشمندان صاحب‌نامی در آنجا به تربیت و تعلیم مشغول بوده‌اند (واعظی هروی، ۱۳۱۰: ۳۰؛ واصفی، ۱۳۴۹، ج ۲: ۲۵۵). در کنار مزار ایشان مسجدی نیز ساخته شده که معروف به مسجد خواجه رخ‌بند است و این مسجد نیز محل تدریس عالمان دینی و بزرگان هرات بوده است. مزار خواجه عبدالله انصاری در گازرگاه هرات، نیز همواره به عنوان یکی از مراکز علمی و فرهنگی مطرح بوده است. عالمان و عارفان که بعد از خواجه عبدالله انصاری در هرات حضور داشتند همیشه کنار قبر خواجه رفته و از روح بلند آن مرحوم کمک می‌طلبیدند. بدین جهت، مزار خواجه دارای خیر و برکت فراوان بوده و به لحاظ اجتماعی و فرهنگی نیز قابل توجه بوده است. برخی مورخان معتقدند؛ اولین بنا در عصر سلطان غیاث‌الدین غوری به صورت مدرسه‌ای در کنار تربت خواجه عبدالله انصاری در گازرگاه ساخته شد و همواره تعدادی از مریدان و شاگردان خواجه در آنجا گرد هم آمده و به درس و بحث علمی از جمله حوزه عرفان و تصوف می‌پرداختند (احسانی، ۱۳۸۶: ۱۹۰). این بنا که به عنوان مرکز علمی مطرح بود در حمله مغولان مانند سایر بناهای فرهنگی خراب گردید، اما در عصر حکومت آل‌کرت تعمیر گردید و دوباره محل درس و بحث عالمان و عارفان قرار گرفت تا اینکه در عصر تیموریان در منطقه گازرگاه باغ بسیار بزرگ و زیبایی توسط امیر علی شیر نوایی وزیر فرهنگ‌دوست تیموری ساخته شد. این باغ که سالانه منافع زیادی داشت، علی شیر نوایی منافع آن را وقف علماء و طلاب فقیر گازرگاه می‌کرد. مردم هرات ارادت و علاقه فراوانی به زیارت خواجه عبدالله انصاری داشتند و خیرات و موقوفات زیادی بر آن بقعه مبارکه اهداء می‌کردند (بورکی سرژ، ۱۳۶۰: ۲۳۷؛ خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۹؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۲۰۳). براین اساس، مزار خواجه عبدالله انصاری به خاطر جایگاه معنوی که میان مردم مسلمان هرات داشت و بسیاری از عالمان هرات که گرایش تصوف و عرفان داشتند، وی را از پیشگامان حوزه عرفان و تصوف دانسته و بر سر مزار ایشان به مباحث علمی می‌پرداختند. یکی از برنامه‌های شیخ و مقتدای اهل تصوف تعلیم و تربیت شاگرد بوده است که بر سر مزارات انجام می‌گرفته و از آن به منصب شیخی یاد می‌شود. از این رو، بسیاری از عالمان و عارفان، از طرف حاکمان تیموری به منصب شیخی و پیشوایی (فروزانفر، ۱۳۶۶: ۹۲). در مزارات هرات منصوب می‌شدند. از باب نمونه **امیر کمال‌الدین حسین** که یکی از عالمان علم تصوف بود منصب شیخی مزار گازرگاه و تولیت اوقاف آن بقعه مبارکه را به عهده داشت (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۲۱۹). چنانکه خواجه شمس محمد مروارید منصب شیخی و تولیت موقوفات مزار خواجه عبدالله انصاری را در اختیار داشت (همو، ۱۳۸۰، ج ۴: ۳۲۹). سید شمس‌الدین محمد اندجانی

ملقب به میر سربرهنه، یکی از سادات بزرگ و مورد احترام مردم هرات نیز به مقام شیخی یکی از مزارات نایل آمد و مدت بیست سال در آن مقام خدمت کرد (همان: ۳۲۳). بنابراین عرفان و تصوف از علومی است که در مزارات هرات تعلیم داده می‌شد

۵) آموزش علوم قرآن و حدیث

یکی از علومی که همواره مورد اهتمام مسلمانان بوده علوم قرآن و حدیث است. مزارات هرات نیز به عنوان مرکز علمی و فرهنگی در عهد تیموریان پذیرای اساتید به نامی در این علوم بودند؛ از باب نمونه سید جمال الدین محدث دشتکی از عالمان برجسته هرات بود که بر سر مزار و تحت قبه سلطان حسین بایقرا مجلس درس داشت و عاشقان علم و دانش از نقاط مختلف شهر از دانش وی بهره می‌بردند. چنانکه گفته شده است: «سید اجل امیر جمال الدین عطاءالله محدث دشتکی شیرازی محدثی دانشور و بزرگوار بود و در هرات می‌زیست و در مدرسه سلطانیه در زیر قبه‌ای که سلطان حسین بایقرا دفن شده تدریس می‌کرده است» (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۲۸؛ آفندی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۳۷۶؛ مدرس تبریزی، بی‌تا، ج ۳: ۳۶۷-۳۶۹).

هر چند درباره موضوع تدریس ایشان اطلاعی در دست نیست، ولی به نظر می‌رسد با توجه به تبحر و تخصصی که ایشان در علوم قرآن و حدیث داشته است (آثار فراوانی از وی در زمینه علوم قرآن و حدیث و سیره پیامبر (ص) وجود دارد) (صفا، ۱۳۷۸، ج ۵ بخش ۳: ۱۶۰۶؛ آفندی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۳۱۵-۳۱۷؛ ۳۱۸؛ موسوی خوانساری، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۸۹-۱۹۴؛ خواند میر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۳۳۲-۳۳۳؛ حاجی خلیفه، بی‌تا، ج ۱: ۹۲۲-۹۲۳؛ بغدادی، بی‌تا: ۶۶۴) می‌توان گفت ایشان در حیطه تدریس نیز شاگرد داشته است (مدرس تبریزی، بی‌تا، ج ۱: ۵۲۷). بنابراین، یکی از کارکردهای مزارات هرات در عصر تیموریان کارکرد آموزشی بوده است، عالمان دینی مزارات را به عنوان مراکز آموزشی انتخاب کرده و به تدریس و تعلیم علم و دانش می‌پرداختند. افزون بر این، حاکمان تیموری در کنار این مزارات مدارس دینی ساخته بودند که از جمله مراکز علمی و فرهنگی به حساب می‌آمد و عالمان و عارفان اسلامی در کنار قبور بزرگان مدفون در این شهر و مدارس دینی به برنامه‌های علمی و فرهنگی مانند تدریس، تعلیم و جلسات وعظ و سخنرانی می‌پرداختند.

۵) آموزش فقه و اصول

از جمله مزارات معروف هرات که افزون بر زیارتگاه مسلمانان، همواره کاربرد آموزشی داشته و مرکز علم و دانش بوده؛ مزارات شاهزاده عبدالله و امامزاده قاسم است که عالمان دینی همواره

مجالس درس در آنجا برگزار می‌کردند (احسانی، ۱۳۸۶: ۱۸۹-۱۹۰). در عصر تیموریان در کنار قبر این امامزادگان مدرسه‌های علمیه فراوان ساخته شد که عالمان دینی در آنجا به تدریس و تعلیم اشتغال داشتند. هرچند در منابع تاریخی به صورت مشخص از کسی که بر سر مزار این دو بزرگوار جلسه تدریس و تعلیم داشته‌اند نام برده نشده است، ولی به صورت اجمال بیان شده که تیموریان در مصرخ و کنار قبر این دو بزرگوار، مدرسه‌های دینی ایجاد کردند و عالمان دینی در آنجا به تدریس مشغول بودند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۴؛ احسانی، ۱۳۸۶: ۱۸۹-۱۹۰). یکی از علومی که در آن زمان در مزارات هرات تدریس می‌شد فقه و اصول بوده است. چنانکه مولی کمال‌الدین یا جلال‌الدین حسین بن خواجه شرف‌الدین عبدالحق اردبیلی به زبان فارسی درباره شریعات بر پایه مذهب تشیع کتاب نوشته است که به مثابه رساله عملیه برشمرده می‌شود؛ (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۶: ۵۲). چنین به نظر می‌رسد که این کتاب همان درس‌گفتارهای وی بوده است.

تدریس کلام و علوم عقلی

یکی از شاخه‌های علوم اسلامی که در عصر تیموریان، در هرات رونق فراوانی داشت و علماء و دانشمندان اسلامی در آن زمینه به تعلیم و تحقیق می‌پرداختند، علم کلام و علوم عقلی بوده است که با استفاده از فضای مسالمت‌آمیز به تعلیم و نشر آن می‌پرداختند. به عنوان نمونه برخی از شخصیت‌هایی که در حوزه علم کلام و علوم عقلی تدریس و پژوهش نموده و آثاری از خود به جای گذاشته است عبارتند از مولی کمال‌الدین یا جلال‌الدین حسین بن خواجه شرف‌الدین عبدالحق اردبیلی که وی از شاگردان جمال‌الدین عطاءالله بن فضل‌الله حسینی در هرات است (آفندی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۹۹). و آثار فراوانی در کلام و علوم عقلی داشته و از اساتید به نام در حوزه کلام و علوم عقلی بوده است (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۶: ۵۲؛ آفندی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۹۸-۱۰۸؛ صفوی، بی‌تا: ۴۹؛ عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۷۲). وی اجازه تدریس «شواکل‌الحور فی شرح هیاکل‌النور» را از استادش جلال‌الدین دوانی و اجازه تدریس «انوارالتنزیل بیضاوی» را از امیر جمال‌الدین عطاءالله بن فضل‌الله حسینی، گرفته است (زمانی، ۱۳۸۷، ج ۴: ص ۱۳۵). هرچند درباره محل تدریس ایشان بر سر مزار بزرگان دینی اطلاع چندانی در دست نیست، ولی با توجه به اینکه مزارات یکی از مراکز علمی بوده است، می‌توان گفت ایشان نیز در یکی از بقعه‌های مبارکه به تعلیم مشغول بوده است.

سید امیر نظام‌الدین عبدالحی اشرفی علوم نقلی و عقلی را در هرات فرا گرفت و به تدریس در

مدرسه گوهرشاد که یکی از مدارس مهم و به نام هرات در آن زمان بود، مشغول شد. (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۶۱۴؛ نوایی، ۱۳۷۹: ۲۸۸؛ آفندی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۱۹۱). وی تألیفاتی در علوم عقلی داشته است. (آفندی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۱۹۱). درباره تدریس ایشان گفته شده است: «... و همواره خاطر ستوده متأثر بر نشر مسایل دینی و اظهار خفیات معارف یقینیه می‌گمارد». (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۶۱۴؛ نوایی، ۱۳۷۹: ۲۸۸). این نشان می‌دهد که کلام و علوم عقلی نیز در مزارات هرات تدریس می‌شده است و عالمان دینی به این مهم نیز می‌پرداخته‌اند.

۶- کارکردهای تبلیغی

تبلیغ اخلاق و معنویت زیربنای جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهد. از این رو در سیره معصومین (ع) و منابع روایی به تبلیغ معارف دینی و رعایت اخلاق اسلامی توصیه‌های فراوانی شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۳: ۳۸۵؛ طوسی، ۱۳۹۰ ق، ج ۳: ۵۲). یکی از کارکردهای مهم مزارات هرات در عصر تیموریان تبلیغ معارف اسلامی بوده است علماء و دانشمندان عصر تیموریان به این مهم توجه داشتند و در راستای ترویج معارف دینی از جایگاه معنوی مزارات استفاده می‌کردند.

احیای سنت عزاداری برای سیدالشهداء (ع)

یکی از کارکردهای مزارات شهر هرات در عصر تیموریان، احیای شعائر دینی و مذهبی از جمله سنت عزاداری برای سیدالشهداء (ع) بوده است. از مجالس اثرگذار در رُشد و گسترش شعائر دینی و مذهبی در جامعه، همانا مجلس عزاداری امام حسین (ع) است که هر ساله در ایام محرم و صفر برگزار می‌گردید و از شاخصه‌های مهم احیای شعائر دینی و مذهبی و از کارکردهای مهم تبلیغی مزارات به حساب می‌آید، خطیبان و روضه خوانان، افزون بر بیان فضایل اهل بیت (ع) و امام حسین (ع) که خود زیربنای اخلاق و معنویت است، به مباحث اخلاقی و تبیین معارف دینی نیز می‌پردازند. مردم در عصر تیموریان، به خاطر عدم تعصب مذهبی و فرهنگ دوستی، به مجالس اهل بیت (ع) اهتمام می‌ورزیدند. یکی از عالمان و خطیبانی که در عصر تیموریان هرات به روضه‌خوانی و سخنرانی می‌پرداخت، ملاحسین کمال الدین واعظ کاشفی بود. وی، افزون بر سخنرانی، موعظه و نصیحت به روضه‌خوانی امام حسین (ع) نیز می‌پرداخته است. دلیل براین مطلب کتاب روضه‌الشهداء است که توسط ایشان نگاشته شده و در دسترس عموم مردم قرار گرفت و از آن پس، روضه‌خوانی در همه خانه‌های مردم هرات و خراسان رونق پیدا کرد. مردم

هرات در استماع سخنان و تأثر از مرثیه و بیان وی، گاهی صحنه‌های بی‌نظیری اشک افشانی و مرثیه و عزاداری را به نمایش می‌گذاشتند (فخرالدین صفی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۶۶؛ ناصری داوود، ۱۳۸۸: ۴۱۸-۴۱۹). بنابراین، یکی از کارکردهای مزارت هرات احیای سنت عزاداری برای سیدالشهداء (ع) بوده است که در مزارات بزرگان دینی، از طریق خطابه و سخنرانی درباره موضوعات اخلاقی و معنوی و روضه‌خوانی و بیان مناقب و مصائب اهل بیت (ع) محقق می‌شده است.

گسترش معارف الهی با برگزاری مجالس دینی

هرات در عصر تیموریان مهد فرهنگ و تمدن، علم و ادب در جهان اسلام به ویژه خراسان گردید. علماء در مکان‌های مختلف مجالس وعظ، نصیحت، سخنرانی برگزار می‌کردند (سمرقندی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۱۴۸؛ شبیبی، ۱۳۷۴: ۲۶۲؛ ناصری داوودی، ۱۳۸۸: ۴۱۵). مزارات متبرکه بزرگان دینی و مذهبی همواره یکی از مراکز موعظه و نصیحت در قالب خطابه و سخنرانی بوده است. در زمان حکومت تیموریان مزارات هرات به مرکز موعظه و تبلیغ تبدیل شده بود، واعظان و مبلغین مشهور شهر، سر مزار بزرگان دینی و مذهبی به وعظ و نصیحت می‌پرداختند. از باب نمونه یکی از زیارت‌گاه‌هایی که در زمان تیموریان هرات، مورد توجه مردم، عالمان و دانشمندان هرات قرار داشت، مرقد و مزار خواجه ابوالولید است که از عالمان و عارفان عصر خویش به حساب می‌آمد (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۶۸؛ صفا، ۱۳۷۸، ج ۴: ۵۲۴؛ واعظ هروی، ۱۳۵۱: ۱۶). در زمان تیموریان عالمان و دانشمندان، به شهر هرات مهاجرت نمودند و در آنجا به تعلیم و تعلّم پرداختند (گلچین معانی، ۱۳۴۶، ج ۷: ۸۴). یکی از خطیبان و سخنرانانی که به نشر اخلاق و معنویت در هرات پرداخت؛ واعظ کاشفی از خطبای برجسته عصر تیموریان است. وی هر چهارشنبه بر سر مزار خواجه ابوالولید به موعظه نصیحت مردم و زائران مشغول بود (مشارخان، ۱۳۴۰، ج ۲: ۸۱۰-۸۱۱؛ آفندی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۷۰). هرچند ایشان در مکان‌های مختلف فرهنگی و مذهبی به سخنرانی و موعظه می‌پرداخت (مشارخان، ۱۳۴۰، ج ۲: ۸۱۰-۸۱۱؛ آفندی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۷۰). اما یکی از اماکنی که وی موعظه و نصیحت می‌کرد؛ مزار خواجه ابوالولید و حظیره سلطان احمد میرزا بوده است. (نوابی، ۱۳۷۹: ۲۱۸).

بدین ترتیب، ملا حسین واعظ کاشفی روزهای چهارشنبه بر سر مزار خواجه ابوالولید به موعظه و نصیحت می‌پرداخت. چنانکه مولانا نورالدین عبدالقادر طبسی یکی دیگر از عالمان دینی، در تبیین و گسترش اخلاق و معنویت اثرگذار بوده است. وی نیز روزهای چهارشنبه بر سر مزار خواجه ابوالولید، به سخنرانی و خطابه می‌پرداخت و مردم از نصایح و مواعظ ایشان بهره‌مند

می‌شدند (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۶۱۰). عالمان و خطیبان اسلامی همواره در سخنرانی و خطابه غالباً به اخلاق و معنویت می‌پرداختند و مردم را موعظه و نصیحت می‌کردند.

مولانا حسامی واعظ از دیگر وعّاظ معروف و مطرح شهر هرات بوده است که در روزهای چهارشنبه بر سر مزار خواجه ابوالولید به موعظه و سخنرانی می‌پرداخت. وی دارای زبانی گویا و بیانی فصیح بوده (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۶۱۷). و در فن بیان و سخنرانی مهارت داشته است. درباره جلسات وعظ و سخنرانی ایشان گفته شده است: «روزهای چهارشنبه در سر مزار پیر مجرد خواجه ابوالولید احمد - قدس سزه - خلائق را به نصایح و مواعظ محظوظ و بهره‌ور می‌سازد» (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۶۱۷).

افزون بر اینکه مزارات امامزادگان، بزرگان دینی، عالمان و عارفان اسلامی به عنوان مرکز علمی فرهنگی و محل موعظه و نصیحت عالمان بزرگ شهر هرات در عصر تیموریان بوده است، گاهی مزار پادشاهان تیموری نیز به عنوان مرکز علمی و فرهنگی انتخاب می‌شد. چنانکه سید میرک‌شاه حسینی شیرازی قبر شاهرخ میرزا را به عنوان مرکز و پایگاه فرهنگی انتخاب کرده و در آنجا به موعظه و نصیحت می‌پرداخت. وی افزون بر اینکه عالم و دانشمند و یگانه روزگار خود شمرده می‌شد (فسایی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۰۵۷). از فن سخنوری نیز برخوردار بوده و بر مزار شاهرخ میرزا منبر می‌رفته است (فسایی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۰۵۷). براین اساس، مزارات هرات در حوزه اخلاق و معنویت نیز نقشی مؤثر داشته است.

نتیجه

هرات در عصر تیموریان از جهات مختلف، به ویژه از حیث فرهنگی، رشد و بالندگی چشم‌گیری داشت. حاکمان فرهنگ‌دوست تیموری، هرات را به مرکز فرهنگی جهان اسلام به ویژه خراسان تبدیل کردند و این سبب شد که بسیاری از عالمان بزرگ اسلامی در این عصر به هرات مهاجرت نمایند. در این عصر باشکوه، مزارت و قبور بزرگان دینی و مذهبی هرات نیز مورد توجه مردم مسلمان افغانستان، حاکمان تیموری و عالمان دینی قرار گرفت. از این رو، مردم همواره به زیارت مزارت امامزادگان و بزرگان دینی مشرف شده و ضمن زیارت به توسل و دعا و نیایش می‌پرداختند. در واقع به خاطر جایگاه معنوی این مزارات بود که عالمان دینی و بزرگان مذهبی این اماکن مقدسه را به عنوان مرکز علمی و پایگاه فرهنگی خویش قرار داده و در آنجا جلسات تدریس و تعلیم برگزار می‌کردند. چنانکه اخلاق و معنویت در قالب جلسات موعظه و نصیحت یکی دیگر از کارکردهای فرهنگی این مزارات در عصر تیموریان به حساب می‌آید و بسیاری از عالمانی که در فن خطابه مهارت داشتند این مزارات را محل جلسات سخنرانی و خطابه خویش قرار می‌دادند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، عز الدین أبو الحسن علی بن ابی الکرم، الکامل فی التاریخ، (۱۳۸۵ق) بیروت، دار صادر - دار بیروت.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال - قم، دارالشریف الرضی للنشر، چاپ: دوم.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج، (بی تا) صفة الصفوة، ناشر: دار المعرفة، بیروت، لبنان.
۴. ابن حجر عسقلانی (۱۳۷۹ق، و ۱۴۰۷ق) فتح الباری بشرح صحیح البخاری، بیروت، دارالمعرفة، و قاهره، دارالریان للتراث.
۵. ابن حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۱۶ ه.ق)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، مؤسسة الرسالة - لبنان - بیروت، چاپ اول.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، تصحیح و تحقیق عبدالحسین امینی، - نجف اشرف، دارالمرتضویه، چاپ اول.
۷. ابو الفضل مبارک، (۱۳۸۵ش)، اکبرنامه تاریخ گورکانیان هند، تحقیق و تصحیح: غلام رضا طباطبایی مجد، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
۸. احسانی، محمد، (۱۳۸۶) نقش مراکز آموزشی و علمای هرات در گسترش فرهنگ اسلامی، مجموعه مقالات «همایش عالمان دینی افغانستان؛ ره آوردها و راهبردها»، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.
۹. اسفزاری، معین الدین محمد، (۱۳۳۸)، روضات الجنات فی أوصاف مدینة هرات، دانشگاه تهران، تهران - ایران.
۱۰. افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، (۱۳۸۹)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء (ترجمه)، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی - ایران - مشهد مقدس، چاپ دوم.
۱۱. امین، محسن (۱۴۰۳ق)، أعیان الشیعة، دار التعارف للمطبوعات - لبنان - بیروت، چاپ اول.
۱۲. انصاری، عبدالله، (۱۳۶۲ش)، طبقات الصوفیة (خواجه عبدالله)، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران فروغ.
۱۳. انصاری، عبدالله بن محمد، (۱۳۶۲)، طبقات الصوفیة (خواجه عبدالله)، توس - ایران

- تهران، چاپ اول.

۱۴. انصاری، فاروق، (۱۳۸۳) هرات شهر آریا، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، چاپ اول.

۱۵. انوری، حسن، (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن.

۱۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، (بی تا) التاريخ الكبير، محقق هاشم الندوی و آخرون، ناشر: دائرة معارف العثمانیه.

۱۷. بختیاریان، امیر، (۱۳۸۵)، خواجه عبدالله انصاری، تهران: وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، انتشارات مدرسه.

۱۸. بدیع الزمان فروزانفر (۱۳۶۶)، زندگانی مولانا جلال الدین محمد (مولوی)، زوار - تهران، چاپ: پنجم.

۱۹. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، اسلامی - تهران، چاپ: دوم.

۲۰. بغدادی، اسماعیل باشا، (بی تا)، هدیة العارفين، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربي.

۲۱. بورکی، سرژ، (۱۳۶۰)، سرگذشت پیر هرات، ترجمه فرهاد روان، تهران.

۲۲. بیهقی، أحمد بن الحسین الخراساني (۱۴۱۰ق)، السنن الصغیر للبيهقي، تحقیق: عبد المعطي أمين قلعجي، جامعة الدراسات الإسلامية، کراتشي - پاکستان، چاپ اول.

۲۳. بیهقی، أحمد بن الحسین الخراساني (۱۴۱۲ق)، معرفة السنن والآثار، جامعة الدراسات الإسلامية (کراتشي - پاکستان)، دار قتيبة (دمشق - بیروت)، دار الوعي (حلب - دمشق)، دار الوفاء (المنصورة - القاهرة)، چاپ اول.

۲۴. بیهقی، ابوحسن علی بن زید، (بی تا) لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم.

۲۵. پورداوود، ابراهیم (۱۳۲۶)، فرهنگ ایران باستان، بی تا، تهران.

۲۶. پهلوان، چنگیز، (۱۳۸۲)، فرهنگ شناسی، قطره، چاپ دوم، تهران.

۲۷. تبادکانی، شمس الدین محمد (۱۳۸۲)، تسنیم المقریین، کتابخانه موزه و اسناد مجلس شورای اسلامی ایران - تهران، چاپ: اول.

۲۸. ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۴۱۹ق)، سسن ترمذی (الجامع الصحيح و هو سنن الترمذی)، دار الحديث - مصر - قاهره، چاپ اول.

۲۹. جامی، عبد الرحمن بن احمد، (بی‌تا)، نفحات الأنس، مطبعة لیسبی - هند - کلکته، چاپ اول.
۳۰. جان احمدی، فاطمه، (۱۳۹۲)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، چاپ شانزدهم.
۳۱. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبد الله، (بی‌تا)، كشف الظنون عن أسامي الكتب و الفنون، دار إحياء التراث العربي - لبنان - بیروت، چاپ اول.
۳۲. خلیلی، خلیل الله، (۱۳۸۳) آثار هرات، تهران: انتشارات عرفان.
۳۳. خوافی، فصیح احمد (۱۳۴۱)، مجمل فصیحی، به تصحیح محمود فرخ، مشهد: کتابفروشی باستان.
۳۴. خواند میر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۸۰)، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، خیام، تهران - ایران.
۳۵. خواند میر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، (۱۳۷۲)، مآثر الملوك؛ به ضمیمه خاتمه خلاصة الأخبار و قانون همایونی، رسا، تهران - ایران.
۳۶. خواند میر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، (۱۳۹۹) خلاصه الاخبار فی بیان الاحوال الاخیار، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.
۳۷. دمیاطی بکری الشافعی، عثمان بن محمد، (۱۴۱۸ق)، اعانه الطالبین علی حل الفاظ فتح المعین، دارالفکر، بیروت.
۳۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۳)، لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر معین، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات.
۳۹. راوندی، مرتضی (۱۳۸۲ش)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران، انتشارات نگاه، چاپ دوم.
۴۰. زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ ه.ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر - بیروت، چاپ: اول.
۴۱. زمانی قمشه‌ای، علی، (۱۳۸۷)، هیئت و نجوم اسلامی، موسسه امام صادق علیه السلام - ایران - قم، چاپ اول. ه.ش، ج ۴، ص ۱۳۵.
۴۲. سبکی شافعی نقی الدین علی بن عبد‌الکافی، (۱۴۱۹ق)، شفاء السقام، فی زیاره خیر الانام، تحقیق سید محمدرضا حسینی جلالی، چاپ چهارم.
۴۳. سمرقندی، عبدالرزاق، (۱۳۶۰ق)، مطلع السعدین و مجمع البحرین، لاهور.

۴۴. سیفی هروی، سیف بن محمد، (۱۳۸۱)، پیراسته تاریخنامه هرات، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، تهران - ایران.
۴۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) - ایران - قم، چاپ اول.
۴۶. شوشتری، نورالله بن شریف الدین، (۱۳۷۷)، مجالس المؤمنین، اسلامیه، تهران - ایران.
۴۷. شهاب الدین ابو حفص سهروردی / ابومنصور اصفهانی، (۱۳۷۵)، عوارف المعارف (ترجمه)، انتشارات علمی و فرهنگی - تهران، چاپ: دوم.
۴۸. شبیبی، کامل مصطفی، (۱۳۷۴)، تشیع و تصوف، ترجمه علی رضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر.
۴۹. شیروانی، علی، (۱۳۷۹)، شرح منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری؛ براساس شرح عبدالرزاق کاشانی، تهران، الزهراء.
۵۰. صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۸)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، انتشارات فردوس، چاپ هشتم.
۵۱. صفوی، سام میرزا، (بی تا)، تحفه سامی، بی جا، کتابفروشی.
۵۲. ضیایی، محمدرضا، (۱۳۹۸ش) تاریخ حوزه‌های علمیه شیعه در افغانستان، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، چاپ دوم.
۵۳. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ق)، مکارم الأخلاق - قم، چاپ: چهارم.
۵۴. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تحقیق و تصحیح حسن الموسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ: چهارم.
۵۵. العبسی، أبو بکر بن أبی شیبة، عبد الله بن محمد، (۱۴۰۹ق)، الكتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، تحقیق: کمال یوسف الحوت، مكتبة الرشد - الرياض، چاپ اول.
۵۶. عبیدلی نسابه، سید ابوالحسن محمد، (۱۴۱۳ق) تهذیب الانساب و نهاية الاعقاب، تحقیق محمد کاظم محمودی، کتاب خانه آیت الله مرعشی، قم.
۵۷. عقیقی بخشایشی (۱۳۷۴)، مفاخر آذربایجان، تبریز، نشر آذربایجان، چاپ اول.
۵۸. عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۷۸)، رشد مبانی فکری و تحول فرهنگ سیاسی در انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات بین المللی الهدی.

۵۹. غزالی، محمد بن محمد، (بی‌تا) إحياء علوم الدين، الكتاب العربي، [بی‌جا].
۶۰. فخرالدین صفی، علی بن حسین (۱۳۵۶)، رشحات عین الحیات (ترجمه)، بنیاد نیکوکاری نوریانی - ایران - تهران، چاپ اول.
۶۱. فسایی، حاج میرزا حسن حسینی (۱۳۸۲)، فارسنامه، تحقیق و تصحیح: منصور رستگار فسایی، تهران، امیر کبیر، چاپ سوم.
۶۲. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، موسسه دار الهجرة - قم، چاپ: دوم.
۶۳. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، (۱۴۰۷ق)، الدعوات (لراوندي) / سلوة الحزین - قم، چاپ: اول.
۶۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم.
۶۵. گلچین معانی، احمد، (۱۳۴۶)، فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، چاپخانه طوس، مشهد.
۶۶. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، (۱۴۰۱ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال والأفعال، تحقیق: بکری حیانی - صفوة السقا، مؤسسة الرسالة، چاپ پنجم.
۶۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم.
۶۸. محمد اسیری لاهیجی، (۱۳۱۲). مفاتیح الإعجاز فی شرح گلشن راز، بمبئی.
۶۹. مدرس تبریزی، (بی‌تا)، میرزا محمدعلی، ریحانه الادب، تهران، کتابفروشی خیام.
۷۰. مدنی، علی خان بن احمد (۱۳۸۴)، الطراز الأول والکناز لما علیه من لغة العرب المعول، مؤسسة آل البيت (ع) لاحیاء التراث - مشهد مقدس، چاپ: اول.
۷۱. مزی، ابی الحجاج یوسف، (بی‌تا) تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، تحقیق بشار عواد معروف، ناشر: مؤسسه الرساله.
۷۲. مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۸۴)، اثبات الوصیة، ایران: قم، چاپ: سوم.
۷۳. مشار، خان بابا، (۱۳۴۰)، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، ۶جلد، [بی‌نا] - [بی‌جا]، چاپ اول.
۷۴. معین، محمد، (۱۳۸۰)، فرهنگ فارسی، انتشارات امیر کبیر.

۷۵. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، کتاب المزار - مناسک المزار (للمفید)، تحقیق و تصحیح محمدباقر ابطحی، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمة الله علیه، چاپ: اول.
۷۶. موسوی خوانساری، میرزا محمد باقر (۱۳۹۲ ق)، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، قم بی تا، و قم.
۷۷. موسوی صفوی، سید فاضل موسوی، (۱۴۱۱ ق) الشجرة الطیبه، بنیاد محقق طباطبائی، قم.
۷۸. ناصری داوودی، عبدالمجید، (۱۳۷۸)، تشیع در خراسان عهد تیموریان، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ اول.
۷۹. ناصری داوودی، عبدالمجید، (۱۳۸۸)، انقلاب کربلا از دیدگاه اهل سنت، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ چهارم.
۸۰. نسائی، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب، (۱۴۲۱ ق)، السنن الكبرى، تحقیق، حسن عبد المنعم شلبي، تحت اشراف شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة - بیروت، چاپ اول.
۸۱. نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطباء)، (۱۳۵۵)، فرهنگ نفیسی، کتابفروشی خیام، تهران.
۸۲. نوایی، عبدالحسین (گردآورنده)، (۱۳۷۹)، رجال کتاب حبيب السیر، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم.
۸۳. هروی، محمد شعيب بن احمد (۱۴۲۱ ق)، مرآت الاولیاء، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان - پاکستان - اسلام آباد، چاپ اول، ۱۴۲۱ ه. ق.
۸۴. واصفی، محمود بن عبد الجلیل (۱۳۴۹)، بدايع الوقایع، بنیاد فرهنگ ایران، تهران - ایران.
۸۵. واعظ هروی، سید عبدالله حسینی معروف به اصیل الدین، (۱۳۵۱)، مقصد الاقبال سلطانیه و مرصد الآمال خاقانیه، بنیاد فرهنگ ایران، تهران - ایران.
۸۶. واعظ هروی، سید عبدالله حسینی معروف به اصیل الدین، (۱۳۱۰)، رساله مزارات بابرکات هرات، بی جا، مطبعه دانش.